

متن پرسش

با عرض سلام: به نظر بنده، در کتاب از برهان تا عرفان و شرح آن علی رغم نقاط فراوان زیاد، می شد روی دو نکته تاکید بیشتر کرد. اول بحث مالکیت خدا و این که انسان به وسیله برهان صدیقین به خوبی متوجه فقر ذاتی خود و از خود هیچ نداشتن و مالکیت خداوند بر خود و بر عالم میشود و این درک میتواند زمینه بندگی انسان را فراهم کند. مثلا اگر خداوند فرمان بدهد خمس بده دیگر چون و چرا نمیکند. چون خدا را مالک خود و استعداد کار کردن را هم از خدا می داند و مال را از آن خود نمیداند. امری که در حدیث عنوان بصری به آن اشاره شده است. یا مسئله حجاب، روزه گرفتن و بسیاری مسائل از این قبیل با توجه به مالکیت خدا بر انسان و فقر ذاتی انسان به خوبی قابل تبیین است. اما وقتی انسان زیبایی، سلامتی، نیرو و توان و سایر نعمت های خداوند را از خدا نبیند در مقابل فرمان خدا چون و چرا میکند. یکی روی این بحث میشد بیشتر تکیه کرد و بحث دوم در مورد اهمیت اراده. چرا که انسان تنها چیزی که می تواند خلق کند «اراده» کردن است. و از تبیین جایگاه فلسفی اراده میتوان به مباحث اخلاقی هم پل زد و از برکات آن بهره مند شد. مخصوصا که کم نیستند کسانی که علی رغم کسب معارف بالا، چون اراده کافی ندارند، نمیتوانند زنگی خود را یک زندگی دینی کنند. این امر در برخی سوالاتی که از شما پرسیده میشود، مشهود است. شاید نیاز باشد شما یک یادداشت ویژه در مورد «اراده و جایگاه آن در فلسفه و متون دینی» بنویسید. باتشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید در مباحث فلسفی باید از «موجود بما هو موجود» بحث شود و هنر تفکر فلسفی آن است که موضوعات اخلاقی و اعتباری را وارد بحث نکند. موفق باشید